



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 2, Issue 2, 2022

Reflections on the Challenges of Proving Domestic Violence against Women in the Evidence System

Nasim Basandeh¹, Hassan Hajitabar Firoozjaei*², Hosein Foroughinia³

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law, Faculty of Humanity, Ayatollah Amoli, Islamic Azad University, Amol, Iran.
2. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Law, Farvardin Institute of Higher Education, Qaemshahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 39-51

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000- 0003-2156-1344

TELL: +989112158173

Email: Hajitabar@yahoo.com

Article history:

Received: 06 Apr 2022

Revised: 18 May 2022

Accepted: 26 May 2022

Published online: 22 Jun 2022

Keywords:

Evidence of Litigation, Violence, Domestic Violence against Women, Gender-based Evidence.

ABSTRACT

One of the most important issues in the field of evidence structure of crimes in the criminal law system is the issue of adopting a gender centered approach, which has led to shortcomings and shortcomings in proving some crimes, including domestic violence against women victims. Findings of the study confirm that in the field of domestic violence against women, evidence of confession, testimony of witnesses, oath and knowledge of the judge have been affected by the victim's gender and women to prove domestic violence due to lack of witnesses, non-confession of husband and rejection of women's testimony. They face challenges in some areas. The challenges of proving domestic violence against women, both in the field of enforcement, ie complaining and referring to law enforcement, judicial and forensic authorities, and in the field of justice and handling this issue in the courts, have affected and hindered the way for women to exercise their rights as women. The victim is domestic violence.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Basandeh, N; Hajitabar Firoozjaei, H & Foroughinia, H (2022). "Reflections on the Challenges of Proving Domestic Violence against Women in the Evidence System" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(2): 39-51.



انجمن علمی فقه‌جرائی تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جرائی تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جرائی تطبیقی

دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

تأملی بر چالش‌های اثبات خشونت‌های خانگی علیه زنان در نظام ادله اثبات کیفری

نسیم بسنده^۱، حسن حاجی‌تبار فیروزجایی^{۲*}، حسین فروغی‌نیا^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری، دانشکده علوم انسانی، واحد آیت الله املی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، مؤسسه آموزش عالی فروردین، قائم‌شهر، ایران.

چکیده

از جمله مباحث بسیار مهم در حوزه ساختار ادله اثبات جرایم در نظام حقوق کیفری موضوعه، مسأله اتخاذ رویکرد جنسیت محوری است که این نگاه سبب بروز کاستی‌ها و نواقصی در اثبات برخی از جرایم از جمله خشونت و خشونت خانگی علیه زنان بزه‌دیده شده است. یافته‌های پژوهش مؤید این مطلب است که در حوزه خشونت خانگی علیه زنان، ادله اقرار، شهادت شهود، سوگند و علم قاضی تحت تأثیر جنسیت بزه‌دیده قرار داشته است و زنان برای اثبات خشونت‌های خانگی به دلیل فقدان شهود، عدم اقرار همسر و عدم پذیرش شهادت زنان در برخی از موضوع‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. چالش‌های اثبات خشونت خانگی علیه زنان هم در عرصه اجراء یعنی شکایت و مراجعه به مراجع انتظامی، قضایی و پزشکی قانونی و هم در عرصه قضایی و رسیدگی به این مسأله در محاکم دادگستری تأثیر گذاشته و مانعی بر سر راه زنان برای احقاق حقوق خود در قامت بزه‌دیده خشونت خانگی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹-۵۱

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد اراکید: ۱۳۴۴-۲۱۵۶-۰۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۲۱۵۸۱۷۳

ایمیل: Hajitabar@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

ادله اثبات دعوی، خشونت، خشونت خانگی

علیه زنان، جنسیت محوری ادله اثبات.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

اصلی‌ترین دلایلی که از دیرباز جهت اثبات دعوا به کار گرفته می‌شده است و هنوز نیز در نظام‌های مختلف حقوقی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند؛ عبارتند از اقرار، شهادت و سوگند.

در خصوص علم قاضی باید گفت که به اتفاق فقهای امامیه، علم قاضی معصوم (ع) مطلقاً حجت است و آنچه مورد بحث و اختلاف است در مورد غیر امام می‌باشد، فلذا به نظر برخی، بحث از علم معصوم (ع) ثمره‌ای نداشته و لغو و باطل است زیرا اولاً ما در زمان غیبت بسر می‌بریم و از وجود حضرات بی‌بهره هستیم. ثانیاً شیعه معتقد است که معصومین (ع) نسبت به افعال و کردار مردم آگاه و عالم هستند و آنها اعراف به تکلیف خود و دیگران می‌باشند. ثالثاً عصمت آنها مانع تطرق تهمت و حکم به خلاف می‌شود. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار در خصوص ادله اثباتی در موارد کیفری موضع روشن‌تری را اتخاذ کرده و با پیش‌بینی ادله اثباتی و قواعد حاکم بر آنها در بخشی مجزا از قانون اظهار نظر در مورد موضوع مورد بحث را تسهیل نموده است. توضیح اینکه قانونگذار ۱۳۹۲ در ماده ۱۶۰ که ذیل عنوان مواد عمومی تنظیم شده است، ادله اثبات جرم را احصاء نموده است. در ماده مذکور آمده است: «**ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است.**» ظاهراً در این ماده علم قاضی هم سنگ و هم عرض سایر ادله برشمرده شده است. با این حال ملاحظه سایر مواد مرتبط با بحث در قانون ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که قانونگذار ما در تعزیرات سیستم دلایل معنوی را برگزیده است. (طاهری بجد، ۱۳۸۳:۳۱۷)

اقرار نیز که دلیل اثبات ارتکاب جرم است، امری است شخصی و اختیاری و انجام آن قابل واگذاری به دیگری به عنوان وکیل ضمن وکالتنامه نیست، اما می‌تواند در قالب شهادت بر اقرار از سوی مقرر، ارزش داشته باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۴:۲۱۰) در امور کیفری و اثبات جرم، شهادت به‌عنوان یکی از ادله به‌شمار می‌رود. در قانون مجازات اسلامی در بحث مربوط به هر یک از حدود و نیز قصاص، نحوه اثبات آنها به‌وسیله شهادت بیان شده است. شهادت در صورتی

در زمینه خشونت‌های خانگی از جنبه‌های مختلف پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است اما آنچه معمولاً مورد غفلت مطالعات حقوقی قرار گرفته مسأله ادله اثبات است. توضیح آنکه عدم پیش‌بینی ادله اثبات افتراقی به نقض حقوق بزه‌دیدگان این دسته از جرایم منجر می‌شود. بسیاری از زنان که به صورت مستمر مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند و در نتیجه این خشونت‌ها مرتکب قتل همسران خود می‌شوند، در نهایت موفق نمی‌شوند در محاکم به دفاع مشروع یا دفاع تحریک استناد کنند چراکه به لحاظ حقوقی شرط استناد به دفاع مشروع یا دفاع تحریک، تهاجم فعلی بوده است. از این‌رو این زنان که بعد از مدت‌ها آسیب ناشی از بزه‌دیدگی مرتکب قتل شده‌اند امکان استفاده از این دفاع‌های حقوقی را ندارند. این مثال نشان می‌دهد که هژمونی مردانه به صورت پنهان در نظام عدالت کیفری یعنی در مرحله قانون‌گذاری، پلیس، دادسرا و دادگاه‌ها رخنه کرده و اثر خود را به روشنی گذاشته است به‌نحوی که قوانین را از درون مبدل به قوانینی مردانه کرده است. منظور از قوانین مردانه آن است که قوانین بر اساس گفتمان مردان تنظیم شده و تفسیر قضات و دادگاه‌ها از این قوانین نیز بر اساس تعلقات و تمنیات مردانه صورت می‌گیرد. ادله اثبات دعوا برای اثبات جرم ضرب‌وجرح عمدی در محل سکونای زن و شوهر و در نیمه شب (بدون حضور شخص ثالث) ناکارآمد است و در اغلب موارد منجر به مختومه شدن پرونده‌هایی از این جنس می‌گردد. بنابراین در این پژوهش به دنبال این هستیم که با رویکردی توصیفی محدودیت‌ها و چالش‌های نظام عدالت کیفری ایران در زمینه ادله اثبات خشونت‌های خانگی را مورد مطالعه قرار دهیم.

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از جمله مبانی نظری مهم و کلیدی که نیازمند تبیین مفهومی است، ادله اثبات کیفری، خشونت و خشونت خانگی علیه زنان که به آنها اشاره خواهیم نمود.

۱-۱- ادله اثبات کیفری

ضرر رساندن به دیگران است، خواه ضررهای مادی باشد یا معنوی، جسمی باشد یا روانی، بنابراین می‌تواند به هر شکلی انجام پذیرد. در همین راستا آمده است که خشونت، رفتاری تعرض‌آمیز با دیگران به قصد آسیب رساندن جسمانی یا روانی یا تهدید به این امور است. (سالاری فرد، ۱۳۸۹: ۳۱)

۱-۳- خشونت خانگی علیه زنان

در بحث خشونت علیه زنان، دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد. دسته اول خشونت‌های جسمی و فیزیکی است که انواع اقسام خشونت‌های فیزیکی را شامل می‌شود. دسته دوم خشونت جنسی است که از تجاوز گرفته تا مزاحمت جنسی و حتی ارسال عکس‌ها و فیلم‌های مستهجن برای یک زن را شامل می‌شود. دسته سوم خشونت روانی است، موضوعاتی مثل تحقیر، توهین، بی‌احترامی‌های مختلف و افترا و...؛ دسته چهارم خشونت اقتصادی است. به این معنی که مال زن از او گرفته شود و مثلاً پولی که به واسطه کار کردن به دست آورده از او گرفته شود یا نفقه از زن دریغ شود، بخشی از خشونت علیه زنان که موضوع مطالعه است، خشونت خانگی علیه زنان است. خشونت خانوادگی عبارت است از هر نوع ارتکاب به رفتار تهدیدآمیز، خشونت یا بدرفتاری روانی، جسمی، مالی یا عاطفی میان بزرگسالان که اکنون زوج یکدیگر یا جزء اعضا خانواده هستند یا در گذشته چنین بوده‌اند. (جهانی، ۱۳۹۹: ۸۹۹)

خشونت خانوادگی به خشونت جسمی، جنسی و روانی‌ای اطلاق می‌شود که در بستر نهاد خانواده رخ می‌دهد، البته نمی‌توان آن را محدود به موارد یاد شده کرد، بلکه ضرب و شتم، سوء استفاده جنسی از دختر بچه‌ها در محیط خانواده، خشونت مربوط به جهیزیه و مهریه، تجاوز زناشویی، ختنه زنانه و سایر اعمال سنتی آزاردهنده زنان، خشونت غیرهمسر و خشونت وابسته به استثمار را نیز شامل می‌شود. (درویش پور، ۱۳۷۸: ۴۴) برخی خشونت خانوادگی را تجاوز فیزیکی که توسط یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر خانواده صورت می‌گیرد تعریف کرده‌اند. (گرت، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

معتبر و در اثبات دعوی مؤثر است که شرایط لازم در شاهد و نوع ادای شهادت موجود باشد شرایطی که رعایت آن در مورد شاهد، ضروری است. (توکلی، ۱۳۸۵: ۱۰)

سوگند نیز اقرار و اعترافی است که شخص از روی شرف و ناموس خود می‌کند و خدا یا بزرگی را شاهد می‌گیرد. سوگند اعلام اراده‌ای است که به موجب آن شخصی خدا را شاهد صداقت خود در اظهارات و التزامات بیان شده می‌گیرد.

۱-۲- خشونت

خشونت هرگونه تهاجم فیزیکی علیه هستی انسان است که با انگیزه آسیب، رنج و یا لطمه باشد. برخی نیز معتقدند خشونت طیفی از رفتارهای بسیار تند و آسیب‌زا تا عکس‌العمل‌های منفی چون بی‌تفاوتی و کم‌توجهی را دربر دارد. (محبی، ۱۳۸۰: ۷) واژه خشونت در اصطلاح مفهومی گسترده دارد و به همین دلیل نیز تعاریف مختلف و متعددی از آن ارائه شده است. در مورد چیستی آن تعریف دقیق و مورد وفاقی وجود ندارد؛ زیرا هرکس از پایگاه فکری، فرهنگی و اجتماعی خود به خشونت نگریسته و یا گونه و عرصه خاصی از خشونت را مدنظر داشته است؛ به عنوان مثال برخی خشونت یا پرخاشگری را حمله یک فرد به فردی دیگر یا یک شیء یا به خود معنا می‌کنند. (باقرپور، ۱۳۷۵: ۵) همانطور که ملاحظه گردید، صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی با توجه به زاویه دید خود تعاریف متعدد و متفاوتی از خشونت ارائه نموده‌اند (مولاوردی، ۱۳۸۵: ۴۳) با این حال، برای ارائه تعریفی جامع و مانع از خشونت باید به نکاتی چند توجه داشت: نخست آن که اقدامات غیر عمدی را نمی‌توان اعمال خشونت‌آمیز دانست؛ دوم، در تحقق خشونت صرفاً اقدامات فیزیکی شرط نیست و خشونت وسعتی بسیار گسترده‌تر از مصادیق فیزیکی و جسمی آن دارد؛ سوم اینکه غیر قانونی بودن رفتاری را نمی‌توان از عناصر خشونت دانست و به همین سبب است که بحث از تقسیم خشونت‌ها به مجاز و غیرمجاز یا قانونی و غیر قانونی به میان کشیده می‌شود. در نهایت بایستی گفت که خشونت تنها ابراز خشم و غضب نبوده و ساحت وسیعی را در بر می‌گیرد زیرا اساس خشونت

نیست. در صورتی که صدور مصوبات حمایتی و یا واگذاری منزل، فقط در صورتی ممکن باشد که خطر ادامه خشونت وجود داشته باشد، اصل زیر برای اثبات جرم، مفید خواهد بود: اگر یکبار خشونت اعمال شده باشد، احتمال ارتکاب خشونت‌های بعدی به طور واقعی وجود دارد. در این صورت باید فرد مرتکب خشونت اثبات کند که چنین احتمالی وجود ندارد که این امر با شروط بسیاری همراه است، به طور معمول، تنها قول دادن مرتکب خشونت به عدم اعمال خشونت در آینده، کافی نیست. (Federal, 2008: 14)

۱-۲- چالش‌های معطوف به ادله اثبات خشونت‌های خانگی

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسیری که قربانی جرم برای احقاق حق خود باید آن را طی کند، تمسک به ادله اثبات است. یکی از موانع دسترسی زنان بزه‌دیده به عدالت، سختی اثبات آسیب در نتیجه خلاء در سازوکارهای احراز و ناکارآمدی ادله اثبات است. این خلاء گاه به دلیل نقص قوانین است و گاه از سوی محاکم یا سازمان‌های مربوطه. از بین دلایل اثبات جرم در دعاوی کیفری، اقرار به عنوان شاه دلیل، از اعتبار و اتقان بیشتری برخوردار است و به تعبیر مقنن در ماده ۱۷۱ قانون مجازات، هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد. (خالقی، ۱۳۹۶: ۱۹۵)

به رغم اهمیت اقرار در روند رسیدگی پرونده‌های خشونت خانگی، زوج ضمن انکار، هرگز مسؤولیت عمل ارتكابی خود را نپذیرفته است. همچنین به دلیل ماهیت پنهان و ارتکاب این نوع خشونت‌ها در حریم خصوصی، امکان ادای شهادت بر خشونت اعمال شده نیز به سختی امکان‌پذیر است. مواردی از گواهی شهود که وجود داشته، به طور کلی شهادت بر وجود نزاع و اختلاف بین زوجین بوده است، نه ارتکاب فعل خشونت و یا خشونت جنسی، لذا در اکثر موارد خشونت خانگی، دلایل سنتی اثبات منتفی می‌شود و حتی گاهی با انکار، عدم اقرار و نفی بزهکار، زن در مظان اتهام نیز قرار می‌گیرد. برای مثال در یک پرونده، زوج در جریان شکایات متعدد توسط زوجه اول خود که یکی از موارد، سوء رفتار جنسی او بوده است، با درخواست زوجه پس از ارجاع امر به پزشکی قانونی و احراز

پس از تبیین مبانی نظری مانند ادله اثبات، خشونت و خشونت خانگی علیه زنان، اینک به عنوان یافته‌های پژوهش به تبیین و بررسی نواقص و کاستی‌ها و چالش‌های پیرامون اثبات خشونت خانگی علیه زنان از جوانب مختلف قضایی و اجرایی و رویه حاکم بر محاکم اشاره خواهیم پرداخت.

۲- کاستی‌های حاکم بر نظام ادله اثبات برای احراز خشونت خانگی علیه زنان

در این قسمت به نواقص و کاستی‌هایی اشاره خواهیم کرد که زنان بزه‌دیده به واسطه خشونت خانگی، برای اثبات آن نزد مراجع قضایی و احقاق آن با آنها روبه‌رو هستند. این نواقص هم در وضع قانون و نظام حاکم بر ادله اثبات قابل رؤیت است و هم در رویه قضایی و رویکرد قضات نسبت به مسائل مربوط به روابط زوجین از جمله خشونت خانگی.

۱-۱- کاستی‌های فرآیند اثبات خشونت خانگی علیه زنان

در جریان دادرسی، دادگاه بنابر وظیفه قانونی خود، تحقیقاتی در زمینه واقعیت‌های مؤثر در تصمیم‌گیری انجام می‌دهد. این تحقیقات غالباً دشوار است زیرا در موارد ارتکاب جرم در داخل منزل، در اکثر اوقات شاهدی وجود ندارد و صدمات جسمانی ناشی از اذیت و آزار نیز همیشه قابل مشاهده نیست. در صورتی که قربانی مورد تهدید، تعقیب یا مزاحمت قرار گیرد نیز مراتب به آسانی قابل اثبات نیست. دادگاه در بسیاری اوقات منحصرأ بر اساس اظهارات و توصیف‌های خواهان، تصویری از وضعیت به‌دست می‌آورد و مبنای تصمیم‌گیری دادگاه، اظهارات اشخاصی است که مورد خشونت قرار گرفته‌اند. دادگاه می‌تواند از طریق روش دادرسی موسوم به دادرسی با استفاده آزادانه از انواع ادله جرم (مثلاً از طریق کسب اطلاعات تلفنی) و یا مطابق مقررات رسمی اقامه مدارک اثبات جرم، عمل نماید. دادگاه می‌تواند هنگام اقامه رسمی مدارک جرم، از شاهدان و یا طرفین، بازجویی کند و بخواهد که اسنادی (مانند گواهی پزشک و گزارش پلیس) به دادگاه ارائه شود، گزارش کارشناسی تهیه شود و یا آنکه آثار خشونت مورد ملاحظه قرار گیرد. دادگاه باید در جریان دادرسی متقاعد شود که خشونت و یا اشکال دیگر تعدی انجام شده است و شک و تردید معقولی در ارتکاب جرم

آسیب و جراحت شدید شده باشد. این آسیب یا باید در همان ساعات اولیه گزارش شود یا در صورت گذشت زمان باید به طور مکرر رخ داده باشد و نقص عضو یا سلب منفعتی را در پی داشته باشد، لذا تنها یک مصداق از خشونت جنسی فیزیکی، یعنی آسیب در روابط نامتعارف جنسی قابل واکاوی است. احراز این آسیب‌ها با ضعف در نگارش گزارش‌ها در پاسخ به نامه قضایی مواجه است. به عنوان مثال در نمونه‌هایی که آسیب احراز نشده، به احتمالات ممکن نظیر گذشت زمان یا استفاده از مواد نرم کننده که موجب امحای آثار ظاهری خشونت می‌گردد، هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. همچنین قالبی بودن متن گواهی، ابهام و عدم تشخیص افتراقی بین دخول یا فشار جسم سخت و بیماری مزمن گوارشی و از طرفی عدم جدیت و فوریت در معاینات و از همه مهمتر نبود زبان مشترک بین محاکم و سازمان پزشکی قانونی از انتقادات مهمی هستند که موجب می‌شود قضات نتوانند از متون مبهم که قادر به تشخیص افتراقی نبوده است، بزه‌دیدگی زوجه در اثر رفتار خشن زوج را استنباط کنند، لذا به همین دلیل و ناکارآمدی باقی دلایل سنتی اثبات، بیشتر شکایات تحت این عنوان به جهت عدم کفایت ادله استنادی با قرار منع تعقیب مواجه می‌شود. (فرجی‌ها و آذری، ۳۱۴:۱۳۹۰)

۳-۱- عدم کفایت گواهی پزشکی قانونی برای اثبات خشونت

خانگی علیه زنان

سوالی که مطرح می‌گردد این است که آیا صرف داشتن گواهی پزشکی قانونی می‌توان ضرب و جرح علیه زنان در خشونت خانگی را اثبات نمود؟ اثبات این امر (ضرب و جرح) نیازمند شواهد و قرائن و مستندات است که محکمه پسند باشد و قاضی را متقاعد سازد تا فرد ضارب را مجرم و در پی آن مجازات را برای آن متحمل سازد. اثبات جرم ضرب و جرح معمولاً از چهار طریق امکان‌پذیر است: شهادت شهود، اقرار و اعتراف ضارب، علم قاضی، سوگند و قسامه. البته در مواقعی که شهادت شهود نباشد در شرایط خاص می‌توان از سوگند و یا قسامه استفاده نمود. همان‌طور که گفته شد ادله اثبات جرم ضرب و جرح خانگی مواردی مثل شهادت شهود و یا اقرار و اعتراف ضارب، علم و قاضی و در

وجود آسیب، با انکار فاعل بودن در ارتکاب این خشونت و عدم اقرار و سپس صدور قرار منع تعقیب به دلیل عدم کفایت ادله در دادسرا، زوجه را مستند به همان گواهی پزشکی قانونی مبنی بر احراز آسیب جنسی، در مظان اتهام روابط نامشروع قرار می‌دهد و حتی رسیدگی جداگانه به این موضوع را درخواست می‌کند که این ادعا مجدداً موضوع شکایت زوجه مبنی بر تهمت و افترا واقع می‌شود. (آذری و بابازاده، ۲۷۱:۱۳۹۸)

در مجموع با توجه به ناکارآمدی دلایل سنتی اثبات، تنها دلیلی که راهگشا به نظر می‌رسد، علم قاضی مستند به قرائن و امارات است. بر اساس تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات، نظریه کارشناسی از جمله قرائت و امارات مهمی است که برای قاضی نوعاً علم‌آور است. لذا با توجه به اهمیت علم قاضی و ناکارآمدی ادله دیگر، مهمترین و پرکاربردترین اماره‌ای که در پرونده‌های خشونت جنسی می‌تواند به حصول علم قاضی کمک کند، نظریه کارشناسی سازمان پزشکی قانونی بوده است. در بررسی‌های انجام شده توسط محققین، ابهام در نوع نگارش گواهی پزشکی قانونی یکی از مسائلی است که هم در تشخیص قضات و هم در اثبات آسیب توسط زنان بزه دیده مؤثر واقع می‌شود، لذا بررسی عملکرد سازمان پزشکی قانونی در این حوزه ضروری است.

مطابق ماده ۱۵۵ قانون دادرسی کیفری، بازپرس در صورت ضرورت راساً یا به تقاضای یکی از طرفین قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می‌نماید. معاینات در پزشکی قانونی در ایران منوط به رایه نامه قضایی است و بزه‌دیده پس از مراجعه به کلانتری یا دادسرا برای احراز آسیب وارد شده به یکی از مراکز پزشکی قانونی ارجاع داده می‌شود. مصادیق قابل احراز در موضوع خشونت توسط همسر که نسبت به سایر مصادیق از فراوانی بیشتری برخوردار است و برخی از مصادیق مانند روابط خشن جنسی، صرف‌نظر از امکان آسیب کمتر و احراز سخت‌تر به دلیل بافت ارتجاعی و ترمیم پذیری سریع‌تر، عموماً در محاکم به رسمیت شناخته نمی‌شود و به ندرت به پزشکی قانونی ارجاع داده می‌شود، در فرض ارجاع نیز تقریباً غیرقابل احراز است، مگر اینکه خشونت منجر به

موقعی نیز از سوگند و قسامه می‌توان برای اثبات جرم ضرب‌وجرح استفاده نمود.

پس با توجه به این تفاسیر چنانچه اگر شاهدی در هنگام وقوع جرم ضرب‌وجرح وجود نداشته باشد که عمدتاً در خشونت خانگی به همین ترتیب است، نمی‌توان صرف داشتن گواهی پزشکی جرم را اثبات کرد چرا که گواهی پزشکی قانونی صرفاً مقدار میزان و کم و کیف جرح وارد شده را مشخص خواهد کرد نه اینکه جرم ضرب و جرح را اثبات نماید. اما می‌توان در موارد خاص از قسامه و سوگند که آن هم بستگی به علم قاضی دارد که قاضی از اقرار ضمنی متهم و یا سایر سرنخ‌های مشکوک جرم را منتسب به فرد مرتکب بداند جرم ضرب‌وجرح را اثبات نمود. در نتیجه جرم ضرب‌وجرح خانگی علیه زنان در نظام ادله اثبات حقوق کیفری داخلی با صرف داشتن و همینطور گرفتن پزشکی قانونی به همین راحتی قابل اثبات نیست بلکه قرائن قوی‌تر را خواستار است تا ثابت شود.

۱-۴- دشواری متهم کردن شوهر در خشونت خانگی

یکی از مشکلاتی که بیشتر افراد درگیر در پرونده‌های اینچنینی با آن مواجه هستند یافتن متهم پرونده است. طبیعی است فردی که مرتکب ضرب‌وجرح همسر خود شده، به‌سادگی اقرار به ضرب‌وجرح نخواهد کرد و در دادگاه حاضر نمی‌شود. دادسرا و کلانتری معمولاً با ارسال اخطاریه برای متهم از وی دعوت می‌کنند تا برای توضیح درباره اتهام وارده در محل کلانتری یا دادسرا حضور داشته باشند. ارسال اخطاریه نیز از طریق دایره قضایی کلانتری صورت می‌گیرد، اما معمولاً متهمان چنین پرونده‌هایی در دادگاه حاضر نمی‌شوند که از این مسأله با عنوان یافت نشدن متهم نام برده می‌شود. یافت نشدن متهم نمی‌تواند باعث تشدید جرم شود. در وقوع جرایم ضرب‌وجرح عمدی منجر به جرح از ناحیه شوهر علیه همسر، وقتی یکی از طرفین این جرم را مرتکب شده و شاکای شکایت می‌کند، طی فرآیند رسیدگی مقدماتی در دادسرا، متهم پرونده در حضور مقام رسیدگی کننده اعم از دادیار یا بازپرس حاضر می‌شود. به او تفهیم اتهام می‌شود و برای وی قرار تأمین کیفری مناسب صادر و

این قرار از او اخذ می‌شود و آخرین دفاع وی نیز شنیده می‌شود؛ اما اگر متهمی در هیچ یک از مراحل رسیدگی مقدماتی و تحقیقی در دادسرا یافت نشده و در حضور مقام قضایی حاضر نشده باشد، به منظور انجام قانون آیین دادرسی برای متهم، جلب صادر می‌شود. (شادلو، ۱۳۹۳: ۹)

در ادامه رسیدگی نیز اگر پرونده شرایطی را داشته باشد که مقام رسیدگی کننده بتواند کیفرخواست غیابی و قرار مجرمیت صادر کند، برای او قرار صادر می‌شود و در ادامه با موافقت دادستان پرونده برای صدور حکم به دادگاه کیفری ارسال می‌شود و قاضی دادگاه کیفری نیز می‌تواند به پرونده رسیدگی و رأی غیابی صادر کند. رأی غیابی نیز تا ۱۰ روز پس از ابلاغ می‌تواند مورد اعتراض واقع شده و در همان شعبه، مورد واخواهی قرار گیرد. در برخی موارد نیز متهمان دست به ابتکارهای خاصی می‌زنند و مثلاً جای خود را تغییر می‌دهند و از نشانی اولیه خود نقل مکان می‌کنند یا این که متواری می‌شوند. گاهی نیز ممکن است متهم نشانی نادرستی از خود اعلام کند. در چنین مواردی با درخواست شاکی پرونده برای متهم حکم جلب صادر می‌شود. احکام جلب زمانی صادر می‌شود که بتوان متهم را دستگیر و در فاصله کوتاهی پس از دستگیری به دادسرا هدایت کرد.

۲- چالش‌های قضایی در اثبات خشونت علیه زنان

در ادامه، بخش دیگری از چالش‌ها که مربوط به چالش‌های قضایی ادله اثبات خشونت علیه زنان می‌باشد را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۱- چالش‌ها

سکوت قانونگذار، رویکرد و اقوال فقهی متفاوت و گاه متناقض در رابطه با دامنه و مصادیق تمکین عام و تمکین خاص، توجیهی بر نادیده گرفتن خشونت علیه زوجه در رویه قضایی است. عموماً پرونده‌های معدودی به مرحله کیفرخواست و رسیدگی دادگاهی می‌رسند و اغلب شکایت‌ها به دلیل فقد عنوان مجرمانه یا عدم کفایت ادله با صدور قرار منع تعقیب مختومه می‌شوند. تابو بودن برخی از گزارش‌های خشونت، مخصوصاً در خشونت جنسی خانگی، مردانه بودن

نکته دیگر اینکه بسیاری از قضاات از رسیدگی به این دست موضوعات اکراه دارند و ضمن انکار بزه‌دیدگی زوجه، این مسائل را خصوصی و خانوادگی تلقی کرده و معتقدند زوجه با انعقاد عقد ازدواج، رضایت خود را اعلام کرده است. نگاه جنسیت‌زده در معنای تبعیض منفی و باورهای کلیشه‌ای با درجات متفاوت، در دیدگاه قضاات مرد و دیگر کنش‌گران نظام حقوقی، تأثیر عمیقی بر فرآیند رسیدگی و برخورد با مسأله دارد، در مجموع برخورد نامناسب و نبود رفتار شایسته و احترام‌آمیز و تصمیماتی نظیر قرار منع تعقیب یا اجبار بزه‌دیده به گذشت، موجب بزه‌دیدگی دوباره قربانی، تثبیت موقعیت آسیب‌زای او، چه به لحاظ تکرار و چه به لحاظ شدت می‌شود و جز استمرار و تعمیق آلام، تحمل خشونت‌های شدیدتر و در نهایت همسرکشی و طلاق نتیجه‌ای نخواهد داشت.

۲-۲- رویه قضایی

در ادامه این مباحث نگاه و تأملی به برخی از نمونه آرای قضایی صادر شده در حوزه خشونت علیه زنان و طرق اثبات آن از طریق ادله اثبات و چالش‌های آن اشاره خواهیم کرد. مثلاً در رأی شماره ۱۰۴۲۵-۲۲۲۱۰۰۴۲۵-۹۳۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۳/۵/۵ صرف ارائه گواهی پزشکی قانونی از سوی زن برای اثبات ضرب‌وجرح عمدی پذیرفته نشده است.

در خصوص اتهام متهم آقای م.م. دایر بر ایراد فحاشی نسبت به شاکیان به اسامی ح. و الف. و ب. جملگی خ. و خانم ف.خ؛ دادگاه از توجه به مشروح شکایت کلیه شکات و شهادت شهود و تحقیقات انجام یافته از سوی مرجع انتظامی و اقرار صریح متهم، بزهکاری وی را ثابت تشخیص، فلذا مستنداً به ماده ۶۰۸ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ شخص متهم را به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید و در خصوص دیگر شکایت شاکیان علیه متهمین به اسامی م.م. و س.م. دایر بر ایراد ضرب‌وجرح عمدی و تهدید و افتراء، دادگاه از توجه به این که از سوی شاکیان پرونده دلیل و مدرک کافی تقدیم نگردیده و اظهارات شهود نیز ثبت وقوع ضرب‌وجرح از ناحیه متهمین نبوده و صرف تقدیم برگه پزشکی قانونی کافی برای اثبات وقوع بزه نمی‌باشد، لذا مستنداً به بند الف از ماده

فضای محاکم و ناآگاهی حقوقی قربانیان، تراکم پرونده در شعب دادسراها و غیره موجب شده است طرح مسأله خشونت خانگی در محاکم کیفری نسبت به محاکم خانواده، امری ناشناخته‌تر به نظر برسد. برخی از قضاات در بیان تجربه شخصی خود بیان کرده‌اند به دلیل حجب و حیای زنان و فضای مردانه محاکم، گاهی زنان مجبورند از رفتارهای نمادین برای این خشونت‌ها استفاده کنند. (آذری و بابازاده، ۱۳۹۸: ۲۷۴)

در بیشتر شکایات مرتبط با موضوع، خشونت خانگی در قالب سایر شکایات مانند ضرب‌وجرح، توهین و ترک انفاق و غیره مطرح می‌شود و رسیدگی به این موارد بیشتر به صورت شفاهی بدون درج جزئیات در پرونده صورت می‌گیرد و در موارد مکتوب شده نیز با عدم قید واژه‌های خاص از توضیح بیشتر و دقیق‌تر پرهیز شده است. در رسیدگی‌های قضایی، بروز خشونت توسط شوهر امری طبیعی و کم اهمیت تلقی شده و قربانی بابت شکایت از امری خصوصی سرزنش می‌شود. به دلیل محق دانستن مرد در هر نوع تمتع جنسی، خشونت جنسی توسط همسر امری عادی و حداکثر هم سطح خشونت فیزیکی یا روانی به شمار می‌آید. این در حالی است که این خشونت در اکثر موارد با خشونت‌های فیزیکی و روانی همراه است و در نتیجه شدت آن به دلیل همراهی با دیگر خشونت‌ها و ماهیت تکرارپذیر آن چند برابر است. (Bergen, 2006: 11)

هرچند بیان تجربه خشونت توسط زنان در فضای مردانه محاکم کیفری بسیار سخت است، همان معدود افرادی که این نوع خشونت را اظهار می‌دارند با برخورد مناسبی روبه‌رو نمی‌شوند. در یک نمونه عینی، عدم توازن قدرت و دادرسی بی‌طرفانه در مورد بزه‌دیده که در سال‌های طولانی زندگی مشترک، خشونت را در اشکال نامتعارف تحمل کرده بود، حمایت قاضی از رفتارهای زوج و نادیده انگاشتن ادعای شاکی، موجب شد متهم به صراحت پس از اتمام جلسات اظهار کند: «دیدم هیچ کسی به تو حق نمی‌ده، قاضی هم طرف من بود، گفت تو باید تحت هر شرایطی تمکین کنی» (آذری و بابازاده، ۱۳۹۸: ۲۷۵)

جرمی خاص است، در مقابل قاضی قرار گرفت، با زبان خودش اعتراف کند که جرمی را مرتکب شده و بعد هم اقرار خود را با امضا یا اثر انگشت تأیید کند. (اسماعیل آبادی، ۱۳۸۷: ۸۹) اقرار به معنای آن است که شوهر در حضور قاضی اعتراف به ایراد ضرب و شتم همسر خود کرده و سپس اقرار را به صورت کتبی درآورده و زیر آن را امضا می‌کند.

۳-۲- شهادت شهود

در حالاتی که شوهر در مقابل ادعای همسر که مورد ضرب و شتم قرار گرفته است ادعا کند که زن اقدام به خود زنی کرده است، در این صورت شهادت شاهدین اعم از فرزندان، همسایه‌ها، نگهبان و خدمتکار بیانگر حقیقت است. تجربه نشان داده است که در بیشتر درگیری‌های میان همسران، فردی که شکایتی علیه او طرح می‌شود یا در کلاتتری و دادگاه حضور نمی‌یابد، یا این که دلایلی بیان می‌کند تا خود را بی‌گناه معرفی کند. یکی از رایج‌ترین شیوه‌های فرار از اتهام ضرب و جرح از سوی همسران این است که مثلاً عنوان می‌کنند طرف مقابل خودزنی کرده است. ممکن است چنین افرادی عنوان کنند برای صحبت کردن با طرف مقابل خود به خانه یا محل کار او آمده بودند که طرف مقابل به او حمله کرد و او را مورد ضرب و جرح قرار داد و او نیز مجبور به دفاع از خود شد و از صحنه فرار کرد. در چنین مواردی است که شهادت شهود اهمیت می‌یابد و اگر شهادت فرد یا افرادی ضمیمه پرونده باشد، این مسأله سبب تسریع در تشکیل پرونده و رسیدگی به شکایت می‌شود. شهود نیز در چنین پرونده‌هایی شرایط خاصی را دارند. معمولاً دعوای زن و شوهر در محیط بسته خانه شکل می‌گیرد و ممکن است بجز فرزندان یا بعضی از اعضای خانواده، فردی شاهد آن نباشد.

آیا در چنین مواردی شهادت فرزندان می‌تواند مورد قبول دادگاه واقع شود؟ آیا همسایه‌ها به صرف شنیدن صدای دعوای زن و شوهر می‌توانند با حضور در کلاتتری یا دادسرا شهادت دهند که یکی از طرفین مورد ضرب و جرح دیگری واقع شده است؟ آیا شهادت پرستار یا نگهبان خانواده می‌تواند در نظر دادگاه مؤثر واقع شود؟

۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره حضوری است و پس از ابلاغ و ظرف مهلت بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر استان نیز بدین قرار است: در خصوص اعتراض و تجدیدنظرخواهی خانم الف.ف. به وکالت از ۱- ح. ۲- الف. ۳- ب. همگی خ. ۴- ف.خ. از دادنامه شماره ۱۰۱۸۷۷ مورخه ۹۲/۱۱/۰۵ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی قرچک که به موجب آن در خصوص اتهام آقایان م. و س.م. دایر بر ضرب و جرح عمدی و تهدید و افترا قرار منع پیگرد صادر گردیده است، با ملاحظه محتویات پرونده و لایحه اعتراضیه تجدیدنظرخواه و این که از ناحیه ایشان ایراد و اشکال موجه و مؤثری که مطابق شقوق مندرج در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری موجبات نقض دادنامه موصوف و رسیدگی بیشتر را ایجاب نماید مطرح نگردیده است و دادنامه بدوی از هر حیث موافق مقررات و موازین قانونی اصدار یافته است، لذا دادگاه مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ قانون مارالذکر ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده دادنامه معترض عنه را عیناً تأیید و استوار می‌نماید. رأی صادره با لحاظ ماده ۲۴۸ قانون مرقوم فوق قطعی است.

۳- راهکارهای پیشنهادی برای چگونگی اثبات خشونت علیه زنان در دعوای خانوادگی

در این قسمت آنچه که مورد تمرکز مطالعاتی قرار خواهد گرفت راهکارهای موجود و راهکارهای پیشنهادی برای اثبات خشونت علیه زنان از طریق ادله اثبات دعوای شناخته شده و سنتی و ادله اثبات نوین دیگر نظیر نظر کارشناسی، فیلم و تصویر و مانند آن است.

۳-۱- اقرار شوهر

در قانون شیوه‌های مختلفی برای اثبات یک عمل مجرمانه وجود دارد. یکی از اولین و بدیهی‌ترین این شیوه‌ها اقرار است. اقرار یعنی وقتی فردی که از او شکایتی شده و متهم به انجام

۳-۴- تکیه بر راهکارهای غیرحقوقی به واسطه دشواری اثبات خشونت خانگی

اسلام به این نکته به خوبی توجه کرده که خانه، حریمی خصوصی است که امکان اثبات دعوا در آن کمتر ممکن است. این اشکال نه به دلیل نقص در قوانین که ناشی از ویژگی‌های حریم خصوصی است. از این رو توصیه به اخلاق و حسن معاشرت در روابط خانوادگی، شکلی متفاوت از توصیه‌های اخلاقی در روابط اجتماعی یافته است. اصولاً از معضلات امروزی جوامع بشری از جمله جامعه ایران، توجه خاص به حل مشکلات از طریق حقوقی و غفلت از فرهنگ‌سازی و توجه به اخلاق است. بی‌تردید تا زمانی که اصلاحات فرهنگی با محوریت اخلاق و حضور فعال خداوند در عرصه‌های حیات بشری، پی‌گیری نشود، اصلاحات حقوقی چندان مشکل‌گشا نخواهد بود. این نکته، هم قابل توجه کسانی است که گمان می‌کنند طرح‌های پیشنهادی بین‌المللی برای کنترل خشونت، ظلم به زنان و...، محصول دیدگاه عقلا و سرچشمه یافته از عقل عملی است که شریعت بر آن صحنه می‌گذارد و هم قابل توجه کسانی می‌باشد که پیشنهاد حقوقی کردن اخلاق (تبدیل آموزه‌های اخلاقی به قوانین حقوقی) را مطرح می‌کنند، آنچه جامعه بدان نیازمند است، نهادینه شدن اخلاق در روابط انسان‌ها است، نه تبدیل شدن آن به ضوابط خشک حقوقی. (رضوی، ۱۳۸۳: ۹)

۳-۵- استناد به فیلم و صدا

صدا و یا فیلمی ضبط شده از وقوع جرم ضرب و شتم توسط دادگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که تنها داشتن گواهی پزشک قانونی در خصوص میزان جراحت کافی نیست و حتماً باید عامل به‌وجود آورنده این جراحات مشخص شود. در این حالت قاضی ادله را بررسی کرده و رأی نهایی را ابلاغ خواهد کرد. در این خصوص پرسیدنی است که آیا صدا و فیلم ضبط شده توسط تلفن همراه و دوربین‌های فیلمبرداری در چنین مواردی مورد قبول مقام رسیدگی‌کننده است یا خیر؟ اصولاً در محاکم دادگستری مبحث استفاده از صوت و تصویر و استناد به آن مورد قبول نیست و قانونگذار به عنوان دلیل به چنین مواردی توجه نکرده است، اما از این موارد باز هم به عنوان اماره می‌توان استفاده کرد و اگر این

مطابق قوانین، شهادت شهود شرایط خاصی دارد. شهادت یعنی این که فردی عنوان کند من شاهد و ناظر اتفاقی بوده‌ام. ممکن است درگیری میان همسران در راه‌پله خانه رخ دهد و همسایه‌ها عیناً شاهد آن باشند. این نوع شاهد یک شاهد عینی است. اما گاهی در منزل بسته است و شهود فقط صداهایی از داخل خانه می‌شنوند. این شنیده‌ها نیز می‌تواند در پرونده ثبت و ضبط شود و مقام رسیدگی‌کننده قضایی به عنوان اماره به این مطالب توجه نشان می‌دهد. اماره شهادتی است که ارزش آن کمی از شهادت پایین‌تر است. در چنین مواردی شهادت فرزندان، خدمتکار، نگهبان، همسایگان و... مورد قبول است و حتی اگر یک نفر شاهد وجود داشته باشد نیز دادگاه این شهادت را ثبت و به آن توجه نشان می‌دهد. البته باید به این مسأله توجه داشت که اظهارات شهود نباید از نظر زمان، مکان و ساعت با هم متفاوت باشند و نباید در اظهارات آنها تناقض وجود داشته باشد. زیرا در این صورت این اظهارات از سوی متهم پرونده مورد اعتراض قرار می‌گیرد و در نتیجه ممکن است قاضی پرونده قرار منع تعقیب برای متهم صادر کند.

۳-۳- افزایش اختیار قاضی در راستای علم قاضی

ویژگی خشونت‌های خانگی آن است که در حریم خصوصی، که به دلیل فقدان شهود و مستندات و یا ملاحظات دیگر، اثبات اتهام در مورد آن غالباً ممکن نیست، و یا ملاحظات عاطفی، حیثیتی، جانی و مالی در آن چشمگیر است، واقع می‌گردد. از این رو می‌توان انتظار داشت که دامنه خشونت‌های خانگی فراگیرتر و مقابله با آن مشکل‌تر و پیچیده‌تر باشد. این تلقی که به دلیل خصوصی بودن حریم خانه، دیگران حق دخالت در امور آن را ندارند، در کلیت خود غیرقابل دفاع است. هم حکومت و هم آحاد مردم باید به وظایف قانونی و اخلاقی خود در بازدارندگی از خشونت خانگی عمل کنند. به‌ویژه باید به دستگاه قضایی توجه داد که گرچه بسیاری از دعاوی خانوادگی از نظر حقوقی به اثبات نمی‌رسد، اما در مواردی که قاضی قرآینی ظنی در دست دارد که نشان می‌دهد جان و یا حرمت زن در بازگشت به خانه در معرض تهدید است، تا ایجاد اطمینان نسبی، باید مکانیزم حمایتی برای این دسته از زنان در نظر گیرد.

فیلم یا صدا اصالت داشته باشد می‌تواند مورد توجه دادگاه قرار گیرد. دلیلی که باعث شده قانونگذار این موارد را نپذیرد، این است که اصالت صوت و تصویر همیشه کشف نمی‌شود و به همین دلیل نمی‌توان به آن توجه کرد. از طرفی ممکن است این تصاویر و اصوات ساختگی باشد، اما اگر اصالت این موارد در دادگاه ثابت شود می‌تواند مورد توجه واقع شود و در این مورد در صورت اعتراض متشاکی، شاکی می‌تواند از دادگاه تقاضای بررسی اصالت صدا و تصویر را مطرح کند. (امام، ۱۳۹۷: ۷۶)

نتیجه‌گیری

در خصوص یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان گفت که اساساً این پژوهش در راستای پاسخ به این پرسش‌ها شکل گرفت که چرا در نظام عدالت کیفری ایران ادله اثبات افتراقی برای خشونت‌های خانگی پیش‌بینی نشده است و اصولاً پیش‌بینی ادله اثبات افتراقی چگونه می‌تواند زنان بزه‌دیده در خشونت‌های خانگی را مورد حمایت قرار دهد و مفروض دانستن تقصیر جنس مرد «هم‌خانه» نسبت به زنان بزه‌دیده، با حاکمیت اصل برائت چگونه قابل توضیح است و اساساً رویکرد جنسیت محوری در ادله اثبات دعوی چه تأثیری در ناکامی زنان در اثبات خشونت مخصوصاً خشونت‌های خانگی داشته است.

نتایج پژوهش مؤید این است که تفوق هژمونی تفکر مردانه و عدم جرم‌انگاری افتراقی خشونت خانگی سبب شده که ادله اثبات جرایم ناشی از خشونت خانگی نیز مانند سایر جرایم در نظر گرفته شود در صورتی که پیش‌بینی ادله اثبات افتراقی می‌تواند دسترسی زنان بزه‌دیده به عدالت را به صورت عمیق‌تری محیا کند. امروزه آموزه‌های حقوق کیفری مدرن در جرایم علیه زنان، فرض تقصیر از طریق وضع آیین دادرسی مبتنی بر تبعیض مثبت در قوانین حمایتی به نفع بزه‌دیده زن را پیش‌بینی کرده است که در مرحله دادسرا مغایرتی با فرض برائت متهم نیز ندارد. به هر روی نتایج تحقیق نشان دهنده این مطلب است که ادله اثبات دعوی اعم از اقرار، علم قاضی، سوگند و شهادت دارای تاریخچه نسبتاً مفصلی هستند که امروزه نیز در دعاوی برای کشف

حقیقت کاربرد دارند و امروزه در حوزه خشونت علیه زنان نیز نظام کیفری موضوعه از همین ادله اثبات بهره می‌جوید و نظام ادله افتراقی را نپذیرفته است. همچنین نتایج بیانگر این مطلب بود که اصولاً آنچه که به عنوان خشونت علیه زنان شناخته می‌شود دارای مصادیق متنوعی از جمله جنسی، جسمی، کلامی، مالی و غیره است که تمامی این موارد اگر در قالب روابط خانوادگی و خانواده رخ دهد زیرمجموعه خشونت خانگی علیه زنان تعبیر خواهد شد. آنچه که به عنوان نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان تبیین کرد این است که با توجه به ساختار و نظام حاکم بر ادله اثبات دعوا در حقوق کیفری ایران که بیشتر منبعث از منابع فقهی و شرع اسلام است، مسأله و مقوله جنسیت بر ادله اثبات دعوا تأثیرگذار واقع شده است. تأثیرگذاری جنسیت بر ادله اثبات موجب شده که بسیاری از زنان، در مواقعی که بزه‌دیده واقع می‌شوند نتوانند بزه رخ داده علیه خود را به اثبات برسانند، مخصوصاً در جرایمی نظیر خشونت خانگی که طبعاً به واسطه محصور بودن و محرمانه بودن امور منزل و خانواده، به طور معمول از منظر ادله اثبات با محدودیت روبه‌رو است، اگر خود زن در مقام بزه‌دیده نیز با محدودیت روبه‌رو باشد، عملاً امکان اثبات بسیاری از جلوه‌های خشونت علیه زنان نخواهد بود. آنطور که مشخص شد این معضل خود را در اثبات جرایم از یک سو و در رویکرد قضات و رویه قضایی در کم توجهی به این معضل نیز نشان داده است. نتایج تحقیق نشان داد که آنچه که به عنوان ادله اثبات دعوی در نظام حقوق کیفری ایران به رسمیت شناخته شده است رویکرد جنسیت محور خود را در برخی از جرایم مخصوصاً در خشونت علیه زنان و خشونت خانگی علیه زنان نشان می‌دهد که این معضل به صورت یکسویه عملاً اثبات جرایم و خشونت علیه زنان در خانه را نزدیک به محال کرده است.

با توجه به متن پژوهش و همین‌طور نتایج حاصل از آن چند پیشنهاد به شرح ذیل ارائه خواهد شد. نخست، با توجه به دشوار بودن اثبات خشونت، مخصوصاً خشونت خانگی علیه زنان با توسل به ادله سنتی اثبات دعوی نظیر اقرار و شهادت شهود، ظرفیت ادله اثبات علم قاضی برای اثبات خشونت علیه زنان در محیط خانه افزایش یابد، به این ترتیب که قاضی از

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفته و نظارت بر حسن انجام آن با سایر نویسندگان بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- آذری، هاجر و بابازاده، زهرا (۱۳۹۸). «حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت جنسی خانگی در نظام عدالت کیفری ایران». *نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۹(۲): ۲۵۹-۲۸۰.

- اسماعیل آبادی، علیرضا (۱۳۸۷). *ادله اثبات دعوی کیفری*. نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

- امام، نفیسه (۱۳۹۷). *مصادیق قانونی اماره قضایی*. تهران: نشر فکرسازان.

- باقرپور، ایرج (۱۳۷۵). *روان‌درمانی برای همه*. تهران: نشر زرین.

- توکلی، سعید (۱۳۸۵). «ارزش شهادت و حدود اعتبار آن در نظام حقوقی ایران». *ماهنامه دادرسی*، ۵۶: ۸-۱۴.

- جهانی، میلاد (۱۳۹۹). «خشونت خانگی علیه زنان در ایران». *نشریه قانون یار*، ۴(۳): ۸۹۷-۹۰۹.

اختیار عمل گسترده‌تری نسبت به مسأله خشونت خانگی که عموماً شوهر در آن اقرار نکرده و شاهی نیز به واسطه حریم خصوصی وجود ندارد برخوردار باشد تا بتواند احقاق حق کرده و عدالت را ساری و جاری سازد. در نتیجه افزایش اختیارات قضات، البته در چارچوب علم قاضی و نه فراتر از آن که جنبه اعمال سلیقه شخصی پیدا کند، می‌تواند یکی از عوامل راهگشا باشد.

پیشنهاد دیگر بازبینی نظام ادله اثبات از منظر رفع برخی محدودیت‌ها از جمله در عدم پذیرش شهادت شهود زن یا نصف بودن اعتبار شهادت آنها است.

پیشنهاد بعدی تأسیس ساختار افتراقی ادله اثبات در حوزه جرایم علیه زنان بزه‌دیده و خشونت علیه زنان است. بدیهی است برخی از مصادیق جرایم نظیر خشونت خانگی علیه زنان، با ادله اثبات عمومی و سنتی نظیر شهادت شهود یا اقرار و سوگند قابل اثبات نیست و عملاً امکان احقاق حق برای زنان بزه‌دیده سلب یا لااقل دشوار شده است، در این خصوص باید ادله افتراقی پیش‌بینی شود، نظیر بالا بردن اعتبار گواهی پزشکی قانونی، تغییر در اعتبار فیلم و عکس و صدا یا عموماً پذیرش ادله جدید و نوین با توجه به تجربه اجرایی و تقنینی کشورهای پیشرو در این زمینه که امکان اقتباس در آنها برای حقوق داخلی وجود داشته باشد.

آخرین پیشنهاد معطوف به رویکرد و نگرش دستگاه قضایی در رویه قضایی و عرصه عمل و اجرا است. قضات دادگستری نباید به مسأله خشونت علیه زنان در محیط خانه به عنوان یک مسأله خصوصی نگریسته و همانطور که در متن پژوهش نیز به آن اشاره شد، این مسائل را جزو مسائل پیش پا افتاده تلقی و به آنها توجه کافی و وافی ننهند، بلکه این رویکرد باید در رویه قضایی اصلاح شود و راهکار آن نیز آموزش و فرهنگ سازی توجه به حقوق زنان، مذموم بودن خشونت علیه زنان و جلوگیری از فرار از مجازات برای مردان در محیط خانه به واسطه محدودیت در ادله اثبات باشد.

- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۴). *ادله اثبات دعوا*. تهران: نشر میزان.
- خالقی، علی (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: نشر شهردانش.
- رضوی، محمد (۱۳۸۳). «نگاهی دیگر به خشونت علیه زنان». *نشریه حوراء*، شماره ۱۰.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۹). *خشونت خانگی علیه زنان، بررسی، علل و درمان با نگرش به منابع اسلامی*. قم: مرکز نشر هاجر.
- شادلو، ندا (۱۳۹۳). «دلایل، عوامل و پیامدهای خشونت خانگی». مقاله ارایه شده به نخستین کنگره ملی دانشجویی کجروی‌های اجتماعی با تأکید بر استان خراسان رضوی.
- طاهری بجد، محمدعلی (۱۳۸۳). «تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی ایران». *علوم جنایی (مجموعه مقالات)*، تهران: نشر سمت.
- فرجی‌ها، محمد و آذری، هاجر (۱۳۹۰). «حمایت کیفری از زنان قربانی تجاوز به عنف در ایران». *نشریه رفاہ اجتماعی*، ۱۱(۴۰): ۲۸۷-۳۱۴.
- گرت، استفانی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جنسیت*. ترجمه کتایون بقایی، تهران: بی‌نا.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴). *محشی قانون مجازات اسلامی*. تهران: نشر مجد.
- محبی، فاطمه (۱۳۸۷). «خشونت علیه زنان». *مجله کتاب زنان*، شماره ۱۴.
- مولاووردی، شهیندخت (۱۳۸۵). *کالبد شکافی خشونت علیه زنان*. تهران: نشر حقوق دانان با همکاری دانش نگار.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۶). *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*. تهران: نشر نی.

ب. منابع انگلیسی

- Bergen, R. K., & Barnhill, E (2006). *Rape: New research and directions*. National Resource Center on Domestic Violence. Pennsylvania: Coalition against Domestic Violence.
- Federal Ministry for Family Affairs (2018). *Senior Citizens, Women and Youth*. Federal Ministry of Justice and Consumer Protection.